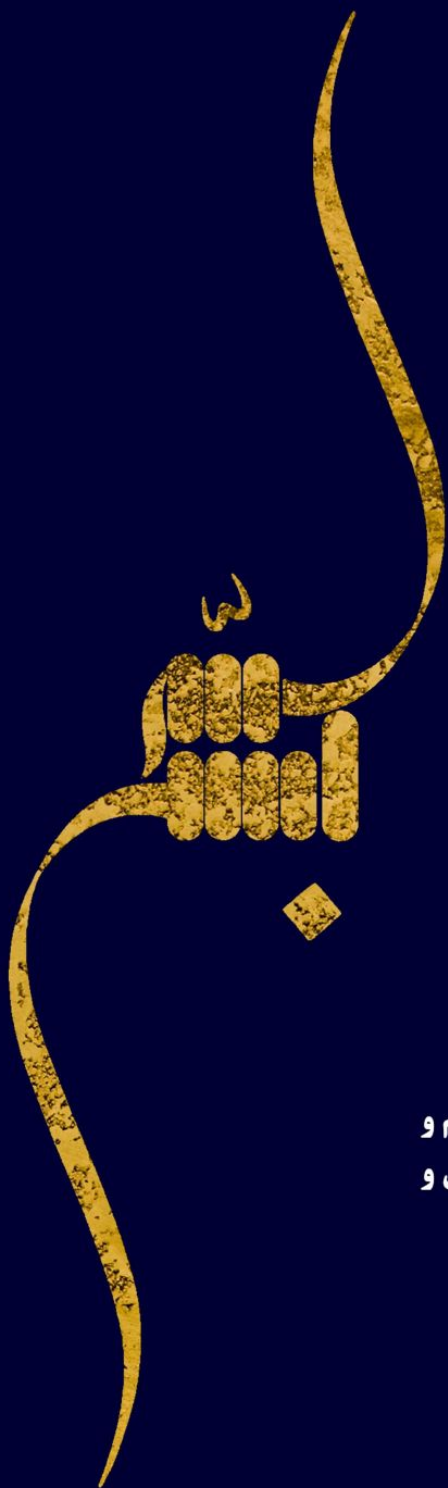




سومین شماره ماهنامه دانشجوی علمی - فرهنگی پردیس شهید رجایی ارومیه

# تحولات





پیامبر صلی الله علیه و آله:

أَنَّهُ إِذَا قَالَ الْمُعَلِّمُ لِلصَّبِيِّ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَقَالَ  
الصَّبِيُّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كَتَبَ اللَّهُ بَرَاءَةً لِلصَّبِيِّ وَ بَرَاءَةً  
لِلْبَوِيهِ وَ بَرَاءَةً لِلْمُعَلِّمِ.

وقتی معلم به کودک بگوید: بگو بسم الله الرحمن الرحيم و  
کودک آن را تکرار کند خداوند برای کودک و پدر و مادرش و  
معلم، برائت از آتش در نظر خواهد گرفت.





صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی

مدیر مسئول: کامیل واحدیان

سردبیر: مهدی محمدیان

هیئت تحریریه: فاطمه امینی مقدم، فهیمه سادات کاظمی، محمد باقر نصیری، فاطمه نوروزی

ویراستار: فاطمه نوروزی

صفحه آرا: مهشید پورمحمدیان

زمینه انتشار ماهنامه: علمی-فرهنگی

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

شماره سوم

راه ارتباط: ایتا mehdi\_mohammadian



## فهرست مطالب

سخن سردبیر.....

۱ نگاهی به تنوع مدارس کشور.....

۳ مزایا و معایب ارزشیابی توصیفی.....

۶ آموزش و پرورش متمرکز یا غیر متمرکز... ..

۱۱ چند پرده از تحول.....



## معرفی اعضا

مهدی محمدیان

دانشجوی آموزش الهیات ۱۴۰۰



فهیمه سادات کاظمی

فارغ التحصیل رشته آموزش ابتدایی سال ۹۷



مهشید پورمحمدیان

دانشجوی آموزش ابتدایی ۱۴۰۱



محمد باقر نصیری

فارغ التحصیل رشته آموزش ابتدایی سال ۹۸



فاطمه امینی مقدم

دانشجوی آموزش ابتدایی ۱۴۰۱



فاطمه نوروزی

دانشجوی آموزش ادبیات ۹۹



## سخن سردبیر



باسمه تعالی

سلام و ادب خدمت دوستان عزیز

﴿ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴾

● بگو آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟ ●

بسیار خرسندیم که تا این شماره همراه ما بودین و سبب دل گرمی تیم ما برای قلم نهادین شدید.....

و از خداوند منان شاکریم که توفیق داد تا ما با یک شماره دیگر همراه شما بزرگواران باشیم و امیدواریم که دو شماره قبلی برای شما مفید واقع شده باشد.





# نگاهی به تنوع مدارس کشور

آنچه پیرامون ما اتفاق می افتد و ما را وادار به تفکر عمیق می نماید در واقع ضرورت تحول است و تحول بدون برنامه ممکن نیست؛ بنابراین امروز نیازمند تحولی از درون و از جز به کل هستیم تا امکان شروع و تحولی عظیم بر اساس امتیازات و تجربیات را برای ما فراهم نماید. نظر به سیاست های کلی نظام در وزارت و سازمان متبوع و زمینه های فراهم شده در چند سال قبل در این ناحیه ضرورت ایجاد می کند تا از سطوح کلاس و مدرسه اقداماتی عملی اعمال و در حد وسعت فکر و اندیشه و امکانات و نیروی انسانی و اختیارات در سال تحصیلی جدید و در ابعاد مختلف برنامه ریزی و اقدام عملی پذیرد.

راهکارهای تنوع بخشی به محیط های یاددهی و یادگیری در مدارس که شامل ایجاد فضای مناسب در کلاس، استفاده از فناوری های نوین، ستایش اندیشه های مفید و بیان آزاد دانش آموزان، استفاده از وسایل کمک آموزشی مانند تخته های هوشمند، استفاده مناسب از فعالیت های فوق برنامه و ... می باشد در برخی از مدارس کشورمان روند رو به رشدی داشته است. یافته ها، حاکی از آن است که ایجاد بسترهای مورد نیاز برای مدارس در جهت کیفیت بخشی به فرایند یاددهی یادگیری که شامل زیر ساخت های ارتباطی، محتوای مناسب، آموزش معلمان، تغییر روش های آموزشی و فرهنگ سازی والدین و .... کمک شایانی به این امر می کند.





## تنوع مدارس؛ فرصت یا تهدید برای نظام آموزشی / مدارس خاص برای اقشار خاص

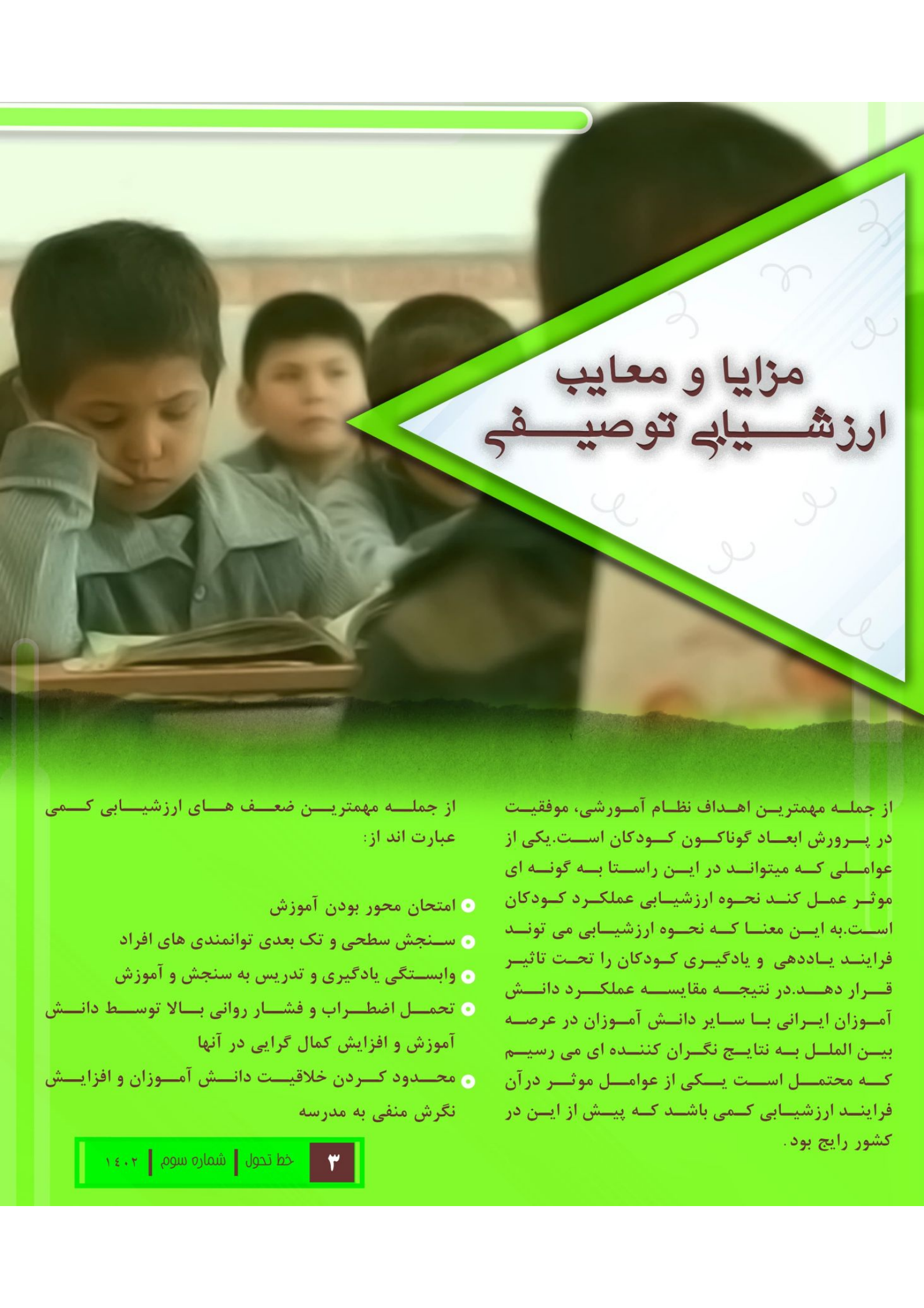
تناقض شعار «عدم تنوع» در عین متنوع بودن، یکی از ویژگی‌های مدارس در نظام آموزش و پرورش ایران است. ثابت بودن برنامه‌ها، اختیارات اندک و انعطاف کم مدارس در روش، محتوا و تقویم آموزشی از یک سو و گوناگونی در عناوین، شرایط ثبت نام، دریافت شهریه و شیوه اداره مدارس نیز از ویژگی‌های بارز نظام آموزش و پرورش ماست. مدارس غیردولتی، تیزهوشان، هیئت امنایی، نمونه دولتی، سما، وابسته، قرآنی، مونته سوری، هوشمند، فوتبال، طبیعت و ...؛ نمونه‌هایی از عناوین مختلف است که بر سر در مدارس دیده می‌شود؛ شماری از اینها دارای مجوز رسمی از آموزش و

پرورش بوده و برخی دیگر تنها عنوان «مدرسه» را یدک می‌کشند. به عنوان مثال مدارس فوتبال از هیئت فوتبال مجوز می‌گیرند و مدارس طبیعت نیز غیرمجاز و غیرقانونی شناخته شده و تعطیل شده‌اند. در بسیاری از کشورها تنوع و انعطاف در روش، برنامه، محتوا و شیوه مشارکت و نظارت اولیاء در مدارس وجود دارد و تنوع مدارس به شکلی که در کشور ماست مفهوم ندارد. بیشتر کشورها سعی دارند با توسعه مشارکت هر چه بیشتر اولیاء همه مدارس را به سطح مطلوب و استاندارد برسانند و مانع طبقاتی شدن مدارس و نظام آموزشی شوند. مروری بر فرایند تأسیس مدارس متنوعی که در کشور وجود دارد، نشانگر آن است که تأسیس این مدارس بیشتر بر مبنای خواست دولت‌ها و با هدف سبک‌تر شدن هزینه‌ها، وظایف و

مسئولیت‌های دولت بوده است. در بسیاری از کشورهای پیشرفته در زمینه تعلیم و تربیت، تنوع و تفاوت مدارس در روش، محتوا، منابع و فضای آموزشی مدرسه در چارچوب سیاست‌های کلان آموزشی و پرورش کشور رقم می‌خورد. انعطاف‌پذیری و تنوع مدارس در روش، محتوا و برنامه‌ها با رعایت چارچوب‌های کلان نظام تعلیم و تربیت یکی از نیازهای اساسی نظام تعلیم و تربیت کشور گسترده ایران با تنوع قومیت، جغرافیا و فرهنگ است. بر خلاف عموم کشورها، تفاوت مدارس دولتی و غیردولتی در ایران در پرداخت شهریه است، در صورتی که در برخی از این کشورها، مدارس غیردولتی بیشتر در دوره متوسطه پاسخگوی نیازهای خاص و کم تقاضا هستند.

(نصیر \_ محمدباقر)





## مزایا و معایب ارزشیابی توصیفی

از جمله مهمترین اهداف نظام آموزشی، موفقیت در پرورش ابعاد گوناگون کودکان است. یکی از عواملی که میتواند در این راستا به گونه ای موثر عمل کند نحوه ارزشیابی عملکرد کودکان است. به این معنا که نحوه ارزشیابی می تواند فرایند یاددهی و یادگیری کودکان را تحت تاثیر قرار دهد. در نتیجه مقایسه عملکرد دانش آموزان ایرانی با سایر دانش آموزان در عرصه بین الملل به نتایج نگران کننده ای می رسیم که محتمل است یکی از عوامل موثر در آن فرایند ارزشیابی کمی باشد که پیش از این در کشور رایج بود.

از جمله مهمترین اهداف نظام آموزشی، موفقیت در پرورش ابعاد گوناگون کودکان است. یکی از عواملی که میتواند در این راستا به گونه ای موثر عمل کند نحوه ارزشیابی عملکرد کودکان است. به این معنا که نحوه ارزشیابی می تواند فرایند یاددهی و یادگیری کودکان را تحت تاثیر قرار دهد. در نتیجه مقایسه عملکرد دانش آموزان ایرانی با سایر دانش آموزان در عرصه بین الملل به نتایج نگران کننده ای می رسیم که محتمل است یکی از عوامل موثر در آن فرایند ارزشیابی کمی باشد که پیش از این در کشور رایج بود.

- امتحان محور بودن آموزش
- سنجش سطحی و تک بعدی توانمندی های افراد
- وابستگی یادگیری و تدریس به سنجش و آموزش
- تحمل اضطراب و فشار روانی بالا توسط دانش آموز و افزایش کمال گرایی در آنها
- محدود کردن خلاقیت دانش آموزان و افزایش نگرش منفی به مدرسه



به طور کلی شیوه ارزشیابی از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا بر استراتژی یاددهی و یادگیری اثر می گذارد مثلاً در نحوه سنجش کمیت یادگیری در گرو کسب نمره است و در غیر این صورت یادگیری بی ارزش تلقی می شود. در واقع در نظام ارزشیابی کمی معلمان تمام توان و انرژی خود را برای موفقیت در امتحان و ارزشیابی می گذارند و با انجام تمرینات و امتحان های طاقت فرسا از توان خود و دانش آموز می کاهند به همین دلیل است که گفته می شود فرایند ارزشیابی غلط باعث می شود سنجش تبدیل به یک هدف شود نه وسیله ای برای رسیدن به اهداف متعالی آموزش. در نتیجه ای براداد مذکور، تغییراتی در خصوص تبدیل ارزشیابی کمی به توصیفی صورت گرفت که در این راستا از ابزار های سنجش فرایند یادگیری از جمله پوشه کار، مشاهده رفتار، آزمون عملکردی و... استفاده شده است. ارزشیابی توصیفی تلاش می کند به عمق و کیفیت یادگیری دانش آموزان توجه کند و توصیفی از وضعیت آنها ارائه دهد و از سنجش به عنوان ابزاری برای سنجش و اندازه گیری میزان یادگیری استفاده می کند. در ارزشیابی توصیفی معلم تدریس می کند و علاوه بر آن از بازخورد های مناسب استفاده کرده و تکالیف دانش

آموزان را بررسی می کند و به ایجاد تغییراتی مثبت در آنها کمک می کند. از جمله مهمترین اقدامات معلم در ارزشیابی توصیفی مشاهده دانش آموز در فرایند یادگیری و استفاده از روش خود سنجی و ارائه ی گزارش پیشرفت دانش آموز است. در واقع استفاده از ابزار های این چنینی در فرایند سنجش تصویر دقیق تری از عملکرد دانش آموز به معلم می دهد. در ارزشیابی توصیفی، پایداری و دوام یادگیری افزایش می یابد؛ همچنین میزان انگیزه در انجام تکالیف درسی نیز بیشتر می شود. پوشه کار که در فرایند ارزشیابی توصیفی بسیار مهم است، کمک می کند یادگیرنده نقش موثر تری در فرایند یادگیری ایفا کند و استقلال عمل بیشتری را تجربه کند. ارزشیابی توصیفی انگیزه انجام کار گروهی را نیز افزایش داده و به ایجاد دید مثبت در دانش آموز نسبت به مدرسه و معلم کمک می کند، همچنین به بهبود تعامل آنها نیز کمک می کند. مجموعاً ارزشیابی توصیفی به باور مفید بودن در مدرسه کمک می کند و احساس اطمینان به موفقیت در مدرسه را افزایش می دهد و به ایجاد احساس خود انگیزگی و لذت بردن از یادگیری کمک می کند. همچنین، ارزشیابی توصیفی در کاهش میزان رقابت و افزایش همکاری بین دانش آموزان موثر است. علاوه بر موارد مذکور که دید مثبتی نسبت به ارزشیابی



توصیفی ارائه می دهد؛ بهتر است با دیدگاهی جامع تر به این معقوله نگرست و بدیهی است که این روش ارزشیابی هم مثل هر روش دیگری در بردارنده نقدها و ایراداتی است، که به صورت اجمالی به آنها اشاره می شود. بالا بودن حجم نوشتاری معلم (بازخورد های متعدد رم ها و پوشه کار و...)، بالا بودن تعداد دانش آموزان و در نتیجه کاهش کیفیت آموزش گروهی که باعث کاهش اثر گذاری ارزشیابی توصیفی می شود. ممکن است در بعضی از موارد بی سوادی یا کم سوادی والدین واکنش آنها به بازخورد های معلم را تحت تاثیر قرار داده و در نتیجه انگیزه معلم را کاهش دهد. نبود امکانات آموزشی کافی که صحت و صداقت ارزشیابی کیفی را تحت تاثیر قرار می دهد، عدم کیفیت مطلوب کلاس های ضمن خدمت است که اجرای درست و اثر گذار ارزشیابی توصیفی را مخدوش می کند. ممکن است در سایه از بین بردن رقابت ناسالم در مدارس که از اهداف مهم ارزشیابی توصیفی است، انگیزه دانش آموزان تحت تاثیر قرار گرفته و کاهش پیدا کند. اما در مجموع با تمرکز بر رفع ایرادات مذکور و افزایش آگاهی معلم در استفاده صحیح از ارزشیابی توصیفی می توان بازدهی مطلوبی را برای این شیوه ارزشیابی متصور شد.

**(فهمیه سادانه کاظمی)**





# آموزش و پرورش متمرکز

## یا غیر متمرکز



نظام آموزشی، مرکب از مجموعه سازمان‌ها و افرادی است که وظایف و روابط متقابلی را بر عهده دارند و برای هدف‌های مشترکی، فعالیت می‌کنند. شکل‌گیری روابط و کنش‌های متقابل میان سازمان‌ها و افراد نظام، تابع ساختار سازمانی و شیوه مدیریت آن است؛ بدین منظور، یکی از مدل‌های سازمانی متمرکز یا نامتمرکز و یا ترکیبی از این دو (نیمه متمرکز) را متناسب با شرایط و نوع روابط متقابل، برمی‌گزینند. به طور کلی، متمرکز ساختن ساختار، عبارت است از: ادغام دو یا چند نظام تحت هدایت یک سازمان نظارتی واحد و نامتمرکز کردن ساختار، عبارت است از: تقسیم و تفکیک یک نظام، به دو یا چند نظام مستقل که هر یک، سازمان کنترل‌کننده ویژه خود را دارند. در نظام برنامه‌ریزی درسی متمرکز، معمولاً، برنامه درسی را، نهاد مرکزی تهیه می‌کند و مناطق و مدارس، به اجرای آن، ملزم می‌باشند؛ در مقابل، در نظام برنامه‌ریزی درسی غیرمتمرکز، تمامی اختیارات، به سطوح پایین‌تر، واگذار می‌شود و هر یک از واحدها، آزادی و اختیار عمل دارند. برنامه‌ریزی نیمه متمرکز هم وجود دارد که حد وسط دو برنامه‌ریزی قبلی هست؛ در نظام برنامه‌ریزی درسی نیمه متمرکز، سیاست‌ها و چارچوب‌ها را، نهاد مرکزی تدوین می‌کند و بخشی از اختیارات، به مناطق و مدارس، واگذار می‌شود و نظارت و کنترل، از سوی نهاد مرکزی اعمال می‌شود. سازمانی که در آن، اغلب اختیارات تصمیم‌گیری، در دست مدیران بالاترین رده سازمانی است، سازمان متمرکز (مرکزمدار) و سازمانی که در آن، اختیارات تصمیم‌گیری، در رده‌های مختلف پراکنده شده است، سازمان نامتمرکز (پراکنده مرکز) نامیده می‌شود. شیوه متمرکز، کلیه کارهای تعلیم و تربیت توسط عده‌ای محدود که اغلب در کارهای آموزشی تبحر و سابقه دارند، در ردیف‌های



عالی تشکیلاتی بدون دخالت افراد غیر فرهنگی معین میگردند و برای اجرا به مؤسسات تابع ابلاغ میگردد. در این سه شیوه مطابق الگوی شورت و زابار معلم می تواند به ترتیب نقش مجری، مجری فعال و برنامه ریز درسی را ایفا نماید. بابررسی سیر تحولات نظام برنامه ریزی درسی در ایران و آگاهی از نظرات و یافته های پژوهشی متخصصین تعلیم و تربیت در این زمینه مشخص شده که در هر برهه زمانی یکی از سه نظام برنامه ریزی درسی حاکم بوده است و نقاط قوت و ضعف هایی به دنبال داشته اند. بنابراین، با توجه به شرایط جغرافیایی کشور و تمرکز امکانات در یک منطقه خاص و گستردگی روزافزون علم ودانش بشری و افزایش مشکلات آموزشی ناشی از آن، اجرای طرح نظامهای سه گانه برنامه ریزی درسی ضروری به نظر می رسد. لذا این طرح را می توان با توجه به میزان توسعه یافتگی کشور و هر یک از استانها اجرا کرد. بدین ترتیب انتظار می رود با اجرای نظام برنامه ریزی غیر متمرکز در مناطق توسعه یافته، نظام برنامه ریزی درسی نیمه متمرکز در مناطق متوسط و نظام برنامه ریزی درسی متمرکز در مناطق محروم، بتوان تاحدودی با انطباق نظام برنامه ریزی درسی با نیازها و شرایط هر منطقه از مشکلات و نارسایی های موجود بر سر راه برنامه ریزی درسی کاست. هیچ سازمانی نباید کاملاً متمرکز یا کاملاً غیرمتمرکز اداره شود؛ بلکه باید به صورت

نیمه متمرکز و ترکیبی، با در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات و تخصص کارکنان، نسبتی از هر کدام را انتخاب و ترکیب نماید. اخذ تصمیم در خصوص میزان تمرکز در نظام های آموزشی، در پنج سطح انجام می شود که شامل: مدیریت عالی، وزارتخانه، استان، مدرسه، کلاس درس می باشد. در نظام آموزشی نیمه متمرکز، هدف ها و سیاست های کلان، به عنوان برنامه واحد، در مقیاس کشوری تعیین می گردد و مسؤولان منطقه ای و محلی، در اتخاذ روش های متناسب با شرایط و مقتضیات زمان و مکان، آزادی عمل دارند؛ درواقع، آموزش در مرحله اجرا، انعطاف پذیر است و با نیازهای منطقه ای و تفاوت های فردی دانش آموزان، سازگاری لازم را دارد. در شیوه نیمه متمرکز، علاوه بر اینکه خط مشی ها و هدفها از طرف مرکز تعیین شده و به آموزش و پرورش مناطق ارسال می شود، به معلمین نیز اختیاراتی داده می شود تا در برنامه های از پیش تعیین شده مطابق شرایط موجود تغییرات جزئی ایجاد کنند. حال آنکه، در شیوه غیر متمرکز آموزش و پرورش، کلیه امور تعلیم و تربیت توسط متخصصان فرهنگی با تأیید نهایی مردم در هر حوزه آموزش و پرورش صورت می گیرد. برمن و همکاران، بر این باورند که برای کاهش تمرکز، باید به طور همزمان، از تمام زیرمجموعه های یک مجموعه، از جمله: بخش مالی، مدیریتی، و برنامه ای، کار را شروع کرد و بدترین حالت ممکن زمانی است که تمرکززدایی فقط در یک بخش رخ دهد. این امر کیفیت کار مدارس و یادگیری کودکان را بدتر از قبل خواهد نمود.





## بعضی از معایب نظام برنامه ریزی درسی (آموزشی) متمرکز، عبارت است از :



## برخی از مزایای نظام های متمرکز عبارتند از :



❌ چون، برنامه‌ها و مواد آموزشی، به طور یکسان برای تمام مناطق کشور تهیه و تنظیم می‌شود، نیازها، شرایط و امکانات محلی، نادیده گرفته می‌شوند.

❌ چون، تصمیم‌گیری، غالباً توسط کسانی انجام می‌گیرد که عملاً، از محیط کلاس و مدرسه به دورند و با نیازها و شرایط و امکانات موجود در کلاس و مدرسه و منطقه آشنایی ندارند، بیشتر تصمیم‌هایشان، با نیازها، شرایط و امکانات موجود مطابقت نمی‌کند.

❌ در صورت وجود هرگونه نقص یا نقایصی در برنامه‌ریزی آموزشی یا محتوای کتب و یا ماهیت مواد آموزشی، ضرر و زیان، شامل تمام مدارس کشور می‌گردد.

✅ وقتی مدیران عالی تصمیم‌های اساسی را اتخاذ می‌کنند، می‌توانند فعالیت‌های مختلف را هماهنگ کنند و میان نیازهای بخش‌های مختلف سازمانی تعادل ایجاد کنند.

✅ تمرکز می‌تواند هزینه‌ها را کاهش دهد زیرا تصمیم‌های اساسی را مدیران اتخاذ می‌کنند، و منابع و فعالیت‌ها در سطوح پایین تداخل نمی‌یابند.

✅ وقتی موقعیت بحرانی ایجاد شود، تمرکز اطمینان می‌دهد که مدیران با تجربه تصمیمات بزرگ را اتخاذ خواهند کرد و ملاحظات مهم را در نظر خواهند داشت.

✅ چون تصمیم‌گیری توسط عده محدودی انجام می‌گیرد، تصمیم‌ها سریع‌تر گرفته می‌شوند.





## مزایای عدم تمرکز

✓ عدم تمرکز، برای مدیران سطح پایین تر، امکان کسب تجربه در زمینه تصمیم گیری را فراهم می کند.

✓ در سازمان غیرمتمرکز، مدیران عالی، با تصمیم های خود، بار سنگینی بر دوش کسی نمی گذارند و به جای تأکید بر تصمیم ها، بر نتایجی که بر کل سازمان اثر دارد، تأکید می ورزند.

✓ سازمان های غیرمتمرکز، به سرعت می توانند به تغییرات محیطی، پاسخ گویند؛ زیرا، مدیران محلی، با شرایطی که اختیار تصمیم گیری در آن شرایط را دارند، آشنا می باشند و به جای آن که منتظر بمانند تا تصمیم ها، از زنجیره فرماندهی، به آنان ابلاغ شود، در زمان مناسب، تصمیم های ضروری اتخاذ می کنند.

✓ توجه به ویژگی های مناطق مختلف کشور.

✓ توجه به تفاوت های فرهنگی و اجتماعی و جغرافیایی و آموزشی مناطق مختلف.



✗ تناسب نداشتن برنامه ها با واقعیت ها

✗ عدم انعطاف پذیری در اجرای برنامه ها

✗ کاهش خلاقیت در معلمان و دانش آموزان

✗ کاهش انگیزه در معلمان

✗ پوشش تعداد بیشتری از فراگی

✗ ایجاد وحدت ملی

✗ ایجاد عدالت آموزشی برای همه مناطق

## معایب عدم تمرکز

✗ به علت تنوع امکانات انسانی و مادی در مناطق مختلف به ویژه امکانات علمی، فنی و اقتصادی، برخورداری همگان از امکانات آموزشی به صورت یکسان ممکن نخواهد بود، و مناطقی که از امکانات مالی و انسانی بهتری برخوردارند، بهره وری بیش تری خواهند داشت و سرانجام، آموزشی طبقاتی پدید خواهد آمد و فرصت های آموزشی متفاوت اند.

❌ بر اثر دخالت مستقیم مردم با نظارت آنان در آموزش و پرورش منطقه، احتمال حضور و نفوذ گروه های متعدد محلی که شاید بعضا نیز ناصالح باشند، زیاد بوده و این دخالت آنان موجب می شود که دستگاه آموزش و پرورش خود وسیله ای برای تحقق اهداف آنان شود.

❌ تکیه و تاکید زیاد بر توجه به نیازمندی های محلی، خود ممکن است هدف های ملی و مقاصد کلی جامعه و کشور را تحت الشعاع اساسی قرار داده، تفرق در برنامه های درسی و فعالیت های آموزشی را پدید آورد.


❌ در شیوه ی غیر مرکزی به علت عدم تشابه برنامه و تفرق در بهره وری از عناصر لازم فرهنگی ممکن است وحدت ملی و فرهنگی مورد تهدید قرار گیرد.

❌ پوشش تعداد کمتری از فراگیران.

❌ افزایش هزینه ها.

❌ امکان کمبود متخصصان برای برنامه ریزی ویژه مناطق.

❌ محدود بودن دانسته های فراگیران به مناطق خود.



با توجه به مطالب ذکر شده درمورد معایب و مزایای دو نظام برنامه ریزی درسی متمرکز و غیر متمرکز میتوان به این نتیجه رسید که بهترین روش برنامه ریزی، نظام برنامه ریزی نیمه متمرکز باشد، چرا که هم میتوان از مزایای دو نظام دیگر استفاده نمود و هم معایب آنها را هم ندارد. به عبارت دیگر نظام نیمه متمرکز مابین دو نظام متمرکز و غیر متمرکز است.

## فاطمه نوروزی





# پایله پرده



# پنده پرده از تحول

گچ زرد رنگ، با قد و قامت نه چندان رعنايش به او دهان كجی می كند! چاره‌ای نیست. توضیحات مدیر در متقاعد کردن معلم‌ها برای جیره‌بندی گچ‌ها مفید بوده است.

گچ را روی تخته می‌گذارد. هنوز اولین کلمه به دومی نرسیده، گچ می‌شکند و ناخنش روی تخته کشیده می‌شود.....

صورت خودش درهم می‌شود و صدای بچه‌ها هم در می‌آید. آن زنگ تمام می‌شود؛ درس داده می‌شود؛ اما صدای کشیده شدن ناخن معلم روی تخته، دائماً در سر بچه‌ها تکرار می‌شود و آزارشان می‌دهد.....

## دوم پایله پرده



ساعت را نگاهی می‌کند و بعد، با دلشوره‌ی بیشتری به نوشتن کلمات مشغول می‌شود. هر یک کلمه را که می‌نویسد، نگاهی به کتاب ریاضی می‌اندازد و بعد، دستانش حافظه خود را از دست می‌دهند و گم می‌کنند که کجا بودند! املايش خوب است؛ خوانشش همین‌طور؛ خطش از آن‌ها هم بهتر است. در عوض، کمیتش در ریاضی لنگ می‌زند!

با خود فکر می‌کند که ای کاش خانم معلم فردا تکلیف‌ها را بررسی نمی‌کرد تا من هم می‌توانستم به جای تکرار مکرراتی که بلد هستم، سراغ تمرین ریاضی‌ای بروم که این روزها کابوسم شده است.....



## پسرده سوم



حیات مدرسه شلوغ است. برخلاف تذکرات معاون، برخی دانش آموزان در حیات دنبال هم می‌دوند. با صدای در آمدن زنگ، دانش آموز ریزنقش کلاس دومی، پلاستیک لقمه‌ی نیم خورده‌اش را در جیب می‌چپاند و به شوق زنگ آخر، به طرف صف قدم بر می‌دارد. هنوز خیلی پیش نرفته است که دانش آموز درشت هیكل پایه ششمی، به او اصابت می‌کند و کودک هشت‌ساله، با سر روی آسفالت کف حیات، زمین می‌خورد. برای چند لحظه چیزی نمی‌فهمد و بعدش درد، اولین ادراکش است... یک ساعت از تعطیل شدنش گذشته است. کودک، به طرز عجیبی احساس خواب آلودگی می‌کند...



## چهارم پسرده



ناخن‌هایش را می‌جود. حریر اشک جلوی بلور چشمانش را می‌گیرد. هر چه فکر می‌کند تاریخ‌های پرسیده شده توسط معلم را به یاد نمی‌آورد. در آخر، ناامید سرش را زیر می‌اندازد و صدای زیرلبی و ناراضی معلم، همچون درکوب‌های تزئینی خانه مادر بزرگش بر گوشش کوبیده می‌شود- بشین.....







## ایران یکی از امن‌ترین و پیشرفته‌ترین کشورهای خاورمیانه است

ها نیز از آفت‌ها و آسیب‌ها در امان نیستند. آسیب‌هایی که گاه از خارج می‌وزند و گاه از درون زمین افکار و اعمال داخلی می‌جوشند و خرابی به بار می‌آورند. برای مهار کردن این آفات، باید در عین حفظ برخی سنت‌های کهن، در بسیاری از زمینه‌ها به سمت تحول و نوآوری حرکت کرد. این روزها، دنیا دوشادوش تحول قدم می‌زند و از بارش پیشرفت، زیر هیچ چتری پناه نمی‌گیرد. آموزش و پرورش، یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که جای نقشی از تحولات بر پیکره‌اش خالی است.

مستثنی نیست. مردم ایران، مانند یک درخت تنومند، بر پهنه‌ی پر تله‌ی این دهکده‌ی جهانی، قد علم کرده‌اند؛ در تاریخ و فرهنگ غنی خود ریشه دوانده‌اند و با شاخ و برگ‌های خود، برابر طوفان‌های سهمگین، سپر ساخته‌اند. میوه و ثمر این درخت کهنسال و ریشه‌دار، کودکان و دانش‌آموزانش هستند؛ میوه‌هایی که قرار است آینده ایران از دانه‌ی تلاش آن‌ها رشد کند. این بار و بره‌ای ایران، غالباً در وضعیتی متوسط و نسبتاً خوب و با در اختیار داشتن زمینه‌های حاصلخیز پیشرفت، رشد می‌کنند و قد می‌کشند؛ اما مانند هر محصول دیگری، آن

ایران یکی از امن‌ترین و پیشرفته‌ترین کشورهای خاورمیانه است. بی‌شک دنیا و اتاق خلوت‌های سیاسی‌اش، دنیا و کانال‌های تاریک اقتصادی‌اش و دنیا و مدارهای پیچ در پیچ و تو در توی موفقیتش، کتاب شاعر گرانقدر، قیصر امین‌پور نیست که در آن بتوان بی‌بال پرید! پس قطعاً ایران برای صعود به این آسمان و جایگاه، بال‌های عظیمی را گشوده و برای داشتن این پرتو و جلا، صیقل خوردن‌های زیادی تاب آورده است. با اندکی تأمل می‌توان به این رسید که بال‌های اوج هر کشوری، مردم آن هستند. ایران هم از این قاعده



چیزی که خیلی‌ها را گول می‌زند و به این باور می‌رساند که نیازی به تحول در آموزش و پرورش نیست، این است که ما با همان شیوه‌های کهنه، همچنان شاهد درخشش دانش آموزان، شکوفایی استعدادها و نخبه‌پروری هستیم! اما متأسفانه این همان نیمه‌ی خالی لیوان است که طبق معمول دیده می‌شود! نیمه‌ی پر، آن استعدادهایی هستند که با این روش‌های قدیمی خفه می‌شوند و آن سرمایه‌های مادی که می‌سوزند. تازه این در حالی‌ست که بخواهیم نیروی انسانی‌ای را که در بلندمدت از دست می‌دهیم، نادیده بگیریم! درست مثل درس دادن معلم، با همان گچ‌های کوتاه و کم‌جان است. درس داده می‌شود؛ دانش آموزان می‌آموزند؛ اما آزار شنیدن این صدای گوش‌خراش تا آخر درس با آن‌ها خواهد بود و در جنگ با تمرکزشان، به راحتی زانو نمی‌زند. «تحول»... با اغماض، چهار حرف است اما وسعتش را تنها می‌توان در هزار و یک شب شهرزاد جست. تحول در آموزش و پرورش هم دامنش را بر بسیاری از ابعاد گسترانیده و تا زمانی که صاف نشود، چین‌وشکن‌هایش دست‌وپاگیر خواهند بود؛ از اصلاح ساختار و تشکیلات گرفته تا حتی نوع تکلیف‌دهی به دانش آموزان. مشق‌های یکسان، برای رعایت برابری میان دانش‌آموزان یکی از همان روش‌های رایج اما منسوخ‌شده در میان معلمان است. کم هستند معلمانی که عملاً درک کرده‌اند «برابری»، لزوماً به معنای «عدالت» نیست. نیازی نیست همه‌ی دانش آموزان تکلیف همگون داشته باشند آن هم در حالی که نیازها، کمبودها و استعدادهایشان ناهمگون است! البته در این میان نمی‌توان سرانگشت اتهام را صرفاً به سمت معلمان دراز کرد! کلاس‌های چهل نفره‌ی شهری و چندپایه‌ی روستایی، دست معلم‌ها را برای اجرایی کردن خیلی شیوه‌های نوین، بسته‌اند. در سال‌های اخیر، ترافیک سنگین بازنشسته‌شدن معلمان و بسته‌شدن راه‌ها برای ورود نومعلمان، شلوغی مدرسه‌ها را موجب شده است. عدم توانایی معلم برای رسیدگی کامل به سطح علمی دانش‌آموزان در کلاس، تنها پیامد این

ازدحام نیست. عدم جدا بودن دانش‌آموزان دوره‌ی اول ابتدایی از دوره دوم، بسیاری از آسیب‌ها را در داخل یا حاشیه‌ی مدرسه به دنبال می‌آورد. برخورد‌ها و آسیب‌های جسمی، تقاضاها و گاهی زورگویی‌های کودکان قوی‌هیكل تر و بزرگ‌تر به کوچک‌ترها، خصوصاً در بعضی نقاط، گوی و میدان را برای نگرانی در اختیار والدین قرار داده‌است. از دیگر جلوه‌های تحول در آموزش و پرورش که باید عملی شود، درونی کردن انگیزه‌های پیشرفت در میان معلمان و دانش‌آموزان است. اصلاح سیستم‌های نمره‌دهی و سنجش یادگیری دانش‌آموزان و شایستگی معلمان، مهم‌ترین راهکار برای این درونی کردن است. دانش‌آموزی که سطح هوش، تلاش و یادگیری‌اش با نمره‌ی بیستی محک می‌خورد که می‌تواند محصول حافظه‌ی کوتاه‌مدت شب امتحانش باشد و رگ‌برگ‌های تقلبش، چه انگیزه‌ی دیگری می‌تواند برای ارتقای «یادگیری» داشته باشد؟! اصلاح متون و برنامه‌ی درسی دانش‌آموزان، از دیگر تحولات مهمی‌ست که باید صورت بگیرد. دانش‌آموزان در مدارس، بیشتر از آنکه مهارت بیاموزند، مطلب می‌آموزند! مشکل بسیاری از دانش آموزان، کاربردی نبودن مطالب درسی در زندگی شخصی‌ست. امروزه، تطبیق‌دهی مطالب درسی با زندگی غیرتحصیلی، از جمله انتظاراتی‌ست که از معلمان می‌رود؛ اما علاوه بر آن، خوب است که آموزش مهارت‌هایی همچون شاد زیستن، عزت نفس داشتن، مدیریت مالی، نه گفتن، رویارویی با مشکلات و برطرف کردن مسالمت‌آمیز آن‌ها و... در دستور کار مدارس قرار بگیرند. حافظه‌محوری مطالب درسی، از دیگر آفاتی‌ست که قایق ذهن دانش‌آموزان را روی امواج اضطراب سوق می‌دهد و کارکرد آن را دچار مشکل می‌کند. چه تنظیم مطالب درسی و چه سنجش دانش‌آموزان باید حتی الامکان از حافظه‌محوری به دور باشد. «تحول»... این واژه من را به یاد خزر می‌اندازد؛ دریاچه اما دریا! تحقق تحول، یک فرآیند است نه یک اتفاق، بلندمدت است اما نه به این معنی که نشانه‌های آن در کوتاه‌مدت نباید پدیدار شوند! تحول، امروزه محبوب تریبون‌های سخنرانی و قلم‌های نگارنده‌ست. امید بر آن روزی که میان دستان عمل‌گر هم طالب پیدا کند.....



از تمام دوستان تقاضا داریم که نظرات و پیشنهادات خود را با ما در میان  
بگذارند

راه ارتباط با ما : ایتا **mehdi\_mohammadian**



آبان ماه ۱۴۰۲